

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره بیست و پنج، زمستان ۹۹، صفحات ۱۷۵-۲۰۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۵

## عملکرد سازمان زنان ایران:

### مطالعه موردی استان بوشهر (۱۳۴۵ - ۱۳۵۷ ش.)

الهام ملک‌زاده<sup>۱</sup>

طیبه ادریسی<sup>۲</sup>

فاطمه حسین‌پور<sup>۳</sup>

#### چکیده

هم‌زمان با انقلاب مشروطه، فقدان مشارکت زنان در صحنه سیاست رسمی و حضور فزاینده زن ایرانی در جامعه، به‌ویژه فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و حزبی قابل‌مشاهده است. تلاش زنان با سیاست‌های دوره پهلوی و سازمان زنان ایران به نقش‌آفرینی مستقیم آن‌ها تا انقلاب اسلامی ادامه داشت. موضوع مقاله حاضر عملکرد سازمان زنان در بوشهر (۱۳۴۵-۱۳۵۷ ش) است. حضور بانوان فعال اجتماعی و زنان شاغل، به‌ویژه قشر فرهنگی جامعه، فضاهای متنوع رسمی برای فعالیت زنان را به دنبال داشت. آن‌ها با عضویت در این سازمان، اقدامات مدنی مختلفی چون رسیدگی به محرومان و بینوایان و عیادت از بیماران، تلاش برای اشاعه فعالیت‌های فرهنگی، به‌خصوص در حوزه سوادآموزی و عرصه دانشگاهی را در حوزه وظایف اجتماعی و فرهنگی خود به شمار می‌آوردند. دستورالعمل و اهداف کلان سازمان زنان در ایران در مرکز تعیین و به شهرهای مختلف ابلاغ می‌شد. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از این‌که زنان بوشهری و به‌ویژه سازمان زنان شعبه بوشهر در دوره محمدرضا شاه پهلوی چه سهمی در فعالیت و عملکرد سازمان زنان ایران داشته‌اند؟ فرضیه پژوهش هم این‌که که زنان بوشهری عضو سازمان زنان ایران، علی‌رغم موانع و شرایط سخت بومی، شرایط لازم برون‌رفت زنان منطقه از انزوای اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه در زمینه فرهنگی را فراهم و مصدر خدمات اجتماعی مختلفی در بوشهر در دوره محمدرضا شاه پهلوی شدند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی با بهره‌گیری از مطالعه اسناد آرشیوی، همراه با مطالعه منابع کتابخانه‌ای جهت تحلیل و تبیین یافته‌های پژوهش خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** سازمان زنان ایران، احزاب سیاسی، زنان بوشهری، دوره پهلوی، ۱۳۴۵-۱۳۵۷.

elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

tayebecedrisi@yahoo.com

shahrzad.hoseynpoor.63@gmail.com

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس دانشگاه خلیج فارس بوشهر، بوشهر، ایران

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

## *Performance of Iranian Women's Organization: A Case Study of Bushehr Province (1345-1357)*

Elham Malekzadeh<sup>1</sup>  
Tayebeh Edrisi<sup>2</sup>  
Fateme Hosseinpour<sup>3</sup>

### **Abstract**

Simultaneous with the Constitutional Revolution, the lack of women's participation in the official politics and the growing presence of Iranian women in society, especially cultural, political and party activities, can be seen. The efforts of women with the policies of the Pahlavi period and the Iranian Women's Organization continued to play a direct role until the Islamic Revolution. The subject of the present article is the performance of the Women's Organization in Bushehr (1345-1357). The presence of socially active women and working women, especially the cultural strata of society, created a variety of formal spaces for the women's activities. By joining this organization, as their social and cultural duties, they considered various civic activities such as: caring for the deprived and the poor, visiting the sick, and trying to spread cultural activities, especially in the field of literacy and academia. The instructions and goals of the Women's Organization in Iran were determined in the center and communicated to different cities. The main question of the research is, "What role the Bushehri women and especially the Bushehr branch of the Women's Organization play in the activities and performance of the Iranian Women's Organization, during the period of Mohammad Reza Shah Pahlavi?" The research hypothesis is, Bushehri women who were members of the Iranian Women's Organization, despite the obstacles and difficult local conditions, provided the necessary conditions for the women in the region to move out of social, political and especially cultural isolation and also provided various social services in Bushehr during the reign of Mohammad Reza Shah Pahlavi. The present study implements a descriptive-analytical method using the archival documents and library resources to answer the research question.

**Keywords:** Iranian Women's Organization, Political Parties, Bushehri Women, Pahlavi Period (1345-1357).

- 
1. Assistant Professor of the Institute of Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author)  
elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir
  2. M.Sc. History of Persian Gulf Studies Bushehr Persian Gulf University, Bushehr, Iran  
tayebedrisi@yahoo.com
  3. Master of History of Islamic Iran, Al-Zahra University, Tehran, Iran  
shahrzad.hoseynpoor.63@gmail.com

## مقدمه

سازمان زنان ایران دستگاه اداری عظیمی بود که تا پیش از انقلاب اسلامی، تقریباً دارای ۴۰۰ شعبه و بیش از ۷۰ هزار عضو در سراسر کشور بود. از جمله مراکز فعال سازمان زنان در دوره پهلوی می‌توان به بوشهر اشاره کرد که علاوه بر مرکز استان، در شهرستان‌های آن نیز شعبات فعالی راه‌اندازی شده بود. نکته جالب این‌که فعالیت‌های سازمان زنان، پیش از این‌که اهداف سیاسی و حقوقی زنان را دنبال کند، بیشتر فعالیت‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی انفرادی اعضا از یک‌سو و از سوی دیگر پیگیری مسائل زنان را طبق قواعدی که دولت و هیئت‌حاکمه تنظیم می‌کرد، شامل می‌شد. به‌منظور نظارت هر چه تمام‌تر بر سازمان زنان نیز اشرف پهلوی رئیس عالییه و فریده دیبا (مادر فرح) نایب‌رئیس این سازمان بودند.

با انقلاب مشروطه جایگاه زنان ایرانی در جامعه متحول شد. در مدت کوتاهی انجمن تأسیس کردند و به انتشار نشریه پرداختند و برای کمک به دولت محمدعلی شاه قاجار، به جمع‌آوری پول پرداختند و مهم‌تر از آن، چهار سال پس از انقلاب مشروطیت، علی‌رغم ناسازگاری‌های جامعه سنتی آن روز و مزاحمت‌های مخالفان آموزش زنان در ایران، به ایجاد مراکز آموزشی برای زنان پرداختند.

یکی از سؤالات اصلی این پژوهش این است که فعالیت‌های سازمان زنان ایران طی دوره محمدرضا شاه پهلوی در بوشهر، چه تأثیری بر عملکرد و فعالیت زنان بوشهری داشته است؟

در مورد این موضوع تا حال حاضر به‌صورت مستقل کار نشده است، اما به‌طور پراکنده در برخی منابع تاریخی به آن اشاره شده است. هدف این پژوهش بررسی جایگاه سازمان زنان در بوشهر و چگونگی تأثیر آن بر روند زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان بوشهری در دوره محمدرضا شاه پهلوی است.

## جایگاه زنان بوشهر در حوزه فرهنگی و اجتماعی دوره پهلوی

دختران و زنان بوشهری همانند زنان سایر نقاط ایران، در محیطی مردسالار می‌زیستند که از مهم‌ترین مشکلاتشان تا سال‌های قبل از انقلاب مشروطه، فقدان آموزش و تعلیم و

تربیت و سوادآموزی در بین آنان بود. تلقی عمومی چنین بود که زن نباید به مدرسه برود و سواد خواندن و نوشتن بیاموزد، زیرا برای او مدرسه، درس و سواد، نه تنها فایده ندارد، بلکه مضر هم هست و ممکن است برای رفیقش خط یا نامه بنویسد! حد نهایی تعلیم برای دختران توانایی برای قرائت قرآن کریم بود (روزنامه تمدن، ۵۱۳۲۵، ق: ۳-۴). رسالت اصلی زن، خانه‌داری، آشپزی و شوهرداری است و بس. برخی از علما و روحانیون نیز با غفلت از آموزه‌های اصیل اسلام در باب ضرورت علم‌آموزی برای دختران و زنان، بر چنین پندار ویرانگری صحه گذاشته و فضای مسمومی برای کسانی که می‌خواستند برای آموزش دختران تلاش کنند، ایجاد کرده بودند (رایس، ۱۳۸۳: ۱۱۴). البته معدود خانواده‌های مذهبی بودند که برخی از زنان و دختران آنان اجازه داشتند سواد بیاموزند و حتی شعر بسایند. یکی از این زنان، فاطمه بلادی دختر آیت‌الله‌العظمی سید عبدالله بلادی بوشهری بود که سواد داشت و شاعر بود. از ایشان کتاب شعری با عنوان «فائزه» در دست است که با استادی و مهارت از اشعار شاعران کلاسیکی چون سعدی و حافظ استقبال کرده است (آتشی، ۱۳۷۴: ۵).

روزنامه مظفری که خواهان آموزش و سوادآموزی برای دختران بوشهری بود، به راه‌های مختلف کوشید تا توجه اذهان عمومی بوشهر و ایران را به ضرورت آموزش و سوادآموزی زنان جلب کند. از جمله در مقاله‌ای درباره علل پیشرفت مردم ژاپن با صراحت نوشت:

«... اهالی ژاپون خواه اناث و خواه ذکور از عمر شش تا چهارده‌ساله، یعنی هشت سال تمام، مجبور به تحصیل علمند. غیر از مبادی علوم و فنون، در ظرف چهار سال اول طالبان و شاگردان باید زبان چین و ژاپونی را به درجه لایق آزموده و بعد در چهار سال آخری، السنه اجنبی را تکمیل نموده و خصوصاً زبان انگلیسی را به صورت مرغوب نوشته و خوانده و با کمال سهولت تکلم نمایند» (روزنامه مظفری، ۵۱۳۲۳، ق: ۶). اولین مدرسه دخترانه به سبک جدید با آموزش‌های نوین، توسط «معین‌التجار بوشهری» و با نام «بنات نسوان» تأسیس گردید.

دومین رویدادی که بر اجتماعی شدن زنان تأثیر زیادی نهاد، انقلاب مشروطه بود که ورود زنان در عرصه سیاست را موجب شد. زنان بوشهری هم علاوه بر حضور در حوزه‌های

فرهنگی و اجتماعی، در جریان مشروطه مانند زنان شهرهای انقلابی چون تهران، تبریز، اصفهان و رشت، در پیشبرد مسائل سیاسی نقش آفرینی کردند که از آن جمله حمایتشان از تأسیس بانک ملی بود. در مجلس اول با پیشنهاد نماینده بوشهر، «معین‌التجار»، بانکی جهت جمع‌آوری پول و کمک به دولت وقت تأسیس شد که زنان بوشهری نیز در جهت تأسیس و تقویت این بانک به جمع‌آوری پول، طلا و جواهرات و از اهداء هیچ کمکی دریغ نورزیدند.

### تشکیل سازمان زنان ایران

در دوران پهلوی و به هنگام سلطنت رضاشاه به‌رغم تحولات اجتماعی، وضعیت سیاسی زنان چه از نظر رسمی و چه عملی تغییر چندانی نیافت. زنان منصب عمومی به دست نیاوردند و امکان تأسیس سازمان‌های مستقل سیاسی جهت دفاع از حقوق خویش را نیز پیدا نکردند. در نبود جامعه مدنی، زنان وابسته به دربار و اقمار آن گاهی چتر حمایت خود را می‌گشودند و جماعات، سازمان‌ها و انجمن‌های زنانه وابسته را تأسیس می‌کردند تا اقلیتی از زنان که تشنه پیوندهای فرهنگی و اجتماعی شده بودند بتوانند اندکی فراتر از زندگی خانوادگی و محفلی، استعدادهای خود را بروز دهند (کار، ۱۳۷۶: ۲۳).

فرد هالیدی درباره فلسفه تشکیل این‌گونه سازمان‌ها در آن زمان می‌نویسد: «دولت ایران خود را به‌صورت قهرمان حقوق زنان جلوه داده است ولی مانند اصلاحات ارضی و اتحادیه‌های کارگری فرمایشی، در این مورد نیز هدف آن بوده است که تغییراتی در جامعه ایران برای تسهیل کار دولت به وجود آورند و از ظهور جنبش‌های مستقل از دولت که می‌توانند درخواست‌های حاد و جدی داشته باشند، جلوگیری کنند» (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۶). شورای عالی زنان ایران با ریاست اشرف پهلوی در نیمه اول اردیبهشت ۱۳۳۸ش. آغاز به کار کرد. دلیل اصلی تشکیل شورا، مبارزه با بی‌سوادی اعلام شد (مجله اطلاعات بانوان، ۱۳۴۰: ۲). در سال ۱۳۴۴ش/۱۹۶۶م، شورای عالی سازمان‌های زنان که از شماری از سازمان‌های مستقل زنان تشکیل می‌شد به سود یکپارچگی و همگونی و کنترل سخت‌تر از بالا، منحل شد. بدین ترتیب، سازمان زنان ایران، تحت ریاست اشرف پهلوی و نیابت ریاست فریده دیبا (مادر ملکه) تشکیل گردید (مجله اطلاعات بانوان، همان: ۳).

بر طبق سالنامه سازمان زنان ایران، این سازمان از سه گونه عضو برخوردار بود:

الف) اعضای عادی انفرادی: زنانی بودند که با داشتن هجده سال و تابعیت ایران و عدم وابستگی به گروه خاصی به عضویت سازمان درمی‌آمدند؛ و باید به هیچ جرمی که موجب محرومیت اجتماعی می‌شد، محکوم نباشند (اساسنامه سازمان زنان، مصوب ۱۳۴۶ش: ۱۲۰).

ب) اعضای افتخاری: اعضای بودند که خدمات برجسته‌ای نسبت به نهضت یا سازمان زنان ایران انجام داده بودند. تحصیل کرده اروپا و از خاندان بزرگ و منتفذ بودند.

ج) جمعیت‌ها: جمعیت‌های واجد شرایط در عضویت این سازمان که به تناسب نمایندگان خود در سازمان، مبلغی را به میزان تصویب شورای مرکزی می‌پرداختند؛ که شامل: راه نو، بیداری زنان، بانوان تهران پارس، صلح نو، شورای زنان، دوشیزگان، زنان زرتشتی، ماما‌های ایران، انجمن زنان و دختران نارمک و...

مهناز افخمی - که از سال ۱۳۴۹ ش، به دبیر کلی سازمان زنان ایران رسید - شرحی متفاوت از تشکیل این سازمان و منطق وجودی آن می‌دهد: «در سال ۱۹۶۴/م/۱۳۴۳ش، پنجاه‌ویک زن که نمایندگی گروه‌ها و منافع مختلفی را بر عهده داشتند، گرد آمدند تا شیوه‌های گوناگون دستیابی به یک ساختار سازمانی ماندگارتر را برای فعالیت‌های زنان بررسی کنند. پیش‌نویس اساسنامه سازمان زنان ایران به مجمعی از نمایندگان سراسر کشور ارائه گردید» (افخمی، ۱۳۵۳: ۵۹).

در شرح افخمی از تأسیس سازمان زنان ایران، نقش هدایت‌کننده و کنترلی دولت کاملاً نادیده گرفته شده و ایجاد این سازمان نتیجه تلاش‌های مستقل و داوطلبانه زنان قلمداد شده است. ولی کسانی که این سازمان را بنیاد گذاردند، اندیشه‌های دیگری برای آن در ذهن داشتند که با نوع فعالیت یک سازمان مستقل متفاوت بود.

در اساسنامه سازمان زنان، تنها به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شده و جای فعالیت‌های سیاسی در آن خالی بود. اعضای سازمان نیز از شرکت در فعالیت‌های سیاسی منع شده بودند. به نظر این چشم‌پوشی از گنجانیدن ابعاد سیاسی اقدامات سازمان

زنان ایران در اساسنامه رسمی آن، معنایی خاص داشت. بدین معنی که قرار نبود هیچ کس، حتی سازمان دولتی و وابسته‌ای چون سازمان زنان، دخالتی در روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی داشته باشد؛ زیرا این وظیفه، از آن محمدرضا شاه بود. آنچه دیگر نهادهای زیردستش می‌بایست انجام می‌دادند تنها بررسی راه‌های مختلف چگونه بهتر به اجرا گذاردن سیاست‌هایی بود که وی اتخاذ می‌کرد. البته این گریز سازمان زنان از فعالیت‌های سیاسی همیشگی نبود و با تأسیس حزب رستاخیز و به دستور شاه، با تغییر در اساسنامه زنان، وظیفه تازه‌ای برای سازمان زنان نیز تعیین شد.

با بسط و گسترش فعالیت‌های سازمان زنان، تهیه طرح‌ها و تنظیم برنامه‌های مختلف و اجرای آن‌ها بر عهده شعب سازمان در مرکز و شهرستان‌ها گذاشته شد. سازمان نه کمیته متخصص را تشکیل داد. اعضای این کمیته برنامه‌ها را تدوین می‌کردند و پس از تصویب شورای مرکزی، برای اجرا در اختیار شعب شهرستان‌ها قرار می‌دادند.

گسترش سازمان زنان به گونه‌ای شد که «تا نیمه سال ۱۹۷۸م/۱۳۵۷ ش، یعنی دوازده سال پس از تأسیس، سازمان زنان ایران، به صورت شبکه‌ای با ۴۰۰ شعبه و ۱۱۵ مرکز و ۵۱ سازمان وابسته، شامل اقلیت‌های مذهبی، انجمن‌های حرفه‌ای و دیگر گروه‌های دارای علائق ویژه رشد یافته بود» (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۷۹). با قید این مسئله که مانند دیگر اقدامات حکومت در مورد نوسازی کشور و مسائل زنان، آثار اقدامات این سازمان، به هیچ‌وجه زنان روستایی را متأثر نساخت، ضمن این که دامنه تأثیر آن میان زنان شهری نیز محدود به برخی اقشار خاص بود.

یکی از مسائلی که موجب عدم کارآمدی سازمان زنان و اثربخشی اقدامات آن در سطح جامعه می‌شد، ترکیب رهبری آن سازمان بود. سپردن ریاست سازمان به اشرف پهلوی، ضربه شدیدی به سازمان وارد ساخت. حضور وی و فریده دیبا، مادر ملکه، در ترکیب رهبری موجب شد این سازمان جلوهای بیش‌ازحد دولتی داشته باشد. این در حالی بود که حکومت شاه به سبب اقدامات سرکوبگرانه‌اش، نقض شدید مفاد قانون اساسی و نادیده گرفتن قوانین شرع، روزه‌روز با بحران مشروعیتی فزاینده دست‌وپنجه نرم می‌کرد. ملاً از اعتبار سازمان، به‌عنوان نهادی مستقل جهت پیگیری اهداف مشروع زنان می‌کاست. شاید همین مسئله

یکی از عوامل عدم تمایل بسیاری از زنان جامعه به همکاری با این سازمان در زمان فعالیتش بود.

با وجود نارسایی‌های سازمان زنان، نباید اثرگذاری سازمان زنان بر وضعیت زنان ایران را نادیده گرفت. در واقع سازمان دست‌نشانده و عروسک خیمه‌شب‌بازی شاه نبود. «همانند دیگر سازمان‌های رسمی، سازمان زنان ایران هویت و فرهنگ خاص خویش را پدیدار ساخت. بسیاری از زنان وفاداری که در آن فعال بودند به‌راستی به مسئله انقیاد زنان علاقه‌مند بودند و از دهه ۱۳۲۰ ش، برای حقوق زنان مبارزه می‌کردند» (برادلی، ۱۳۷۸: ۸۵).

تأثیرات متناقض و دوگانه اقدامات سازمان زنان به‌روشنی در سخنان مهناز افخمی در یکی از مقالاتش درباره جنبش زنان در پیش از انقلاب قابل مشاهده است که در آن بر نقش سازمان زنان در دامن زدن به آگاهی سیاسی زنان ایرانی و ورود آن‌ها به صحنه مشارکت سیاسی علیه رژیم پهلوی تأکید می‌کند. وی می‌نویسد: «میزان آگاهی سیاسی زنان ایرانی در طی راهپیمایی‌های ضد حکومتی سال‌های ۷۹-۱۹۷۸ م/۱۳۵۷-۱۳۵۶ ش، به گونه‌ای برجسته نمودار گردید. در یکی از اجلاس دبیران سازمان زنان ایران، از دبیر استان کرمان درباره زنان باحجابی که اخیراً در یک تظاهرات شرکت کرده بودند، پرسش کردیم که «آن‌ها که بودند؟» وی پاسخ گفت: «اعضای خود ما!». شما همیشه می‌گویید آن‌ها را بسیج کنید. حالا آن‌ها بسیج شده‌اند و فریاد می‌زنند «زنده باد خمینی». باین حال تا به امروز ما هنوز هم توافق داریم آنچه اهمیت دارد این است که آنان خواسته خودشان را فریاد می‌زدند» (Afkhani, 1984:331).

در ماه‌های واپسین انقلاب و در جریان اعتصابات بر ضد رژیم پهلوی، حتی کارکنان نهاد دولتی سازمان زنان ایران نیز به اعتصابات پیوستند. همین نکته نشانگر این است که تا چه حد مشارکت زنان در انقلاب دامن‌گستر شده حتی کارکنان سازمان زنان را نیز در بر گرفته بود؛ سازمانی هم که انتظار می‌رفت بالاترین میزان وفاداری را به رژیم پهلوی از خود نشان بدهند، با اوج گرفتن جنبش انقلابی، شریف امامی پست وزارت امور زنان را از کابینه خویش حذف کرد. در واقع به سبب برخی اقدامات وزارت امور زنان که از نظر اکثریت



مردم، غیر اسلامی به شمار می‌رفت، نخست‌وزیر - شریف امامی - ناگزیر بود که از سر فریب‌کاری سیمایی طرفدار مذهب به خود بگیرد و آن وزارتخانه را حذف نماید (جان فوران، ۱۳۷۷: ۵۶۱).

### سازمان زنان ایران و فعالیت‌های آن در استان بوشهر و شهرستان‌های آن

زنان بوشهری در دوره پهلوی جایگاه فرهنگی و اجتماعی چندانی نداشتند. زنان در این دوره فقط وظیفه خانه‌داری و تربیت بچه را عهده‌دار بوده و فاقد هرگونه نقش‌آفرینی فرهنگی و اجتماعی بودند. فقدان سازمان‌های مستقل زنان در جهت کسب حقوق و بهبود وضعیت ایشان، از عوامل مهم عقب ماندن وضعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زنان پس از مشروطه تا دوره محمد رضا شاه پهلوی بود. این شرایط موجب شد نظام حکومتی مردسالارانه رضاشاهی - به‌رغم ادعاهایی که بهبود وضع زنان را خواستار بود - گامی به این منظور برندارد. بدین ترتیب نقش حاشیه‌ای زنان در فرهنگ، سیاست و اجتماع که در تمامی عصر قاجار مشخصه جنبه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی وضعیت آنان بود، همچنان باقی ماند. شاید حتی بتوان گفت بسیار محدودتر هم شد.

پس از تأسیس این سازمان در دوره رضاشاه، این سازمان برای بهبود وضع زنان در سایر نقاط ایران و به‌خصوص مناطق محروم و دورافتاده، تصمیم به ایجاد و فعالیت شعبات متعدد این سازمان در استان‌ها و شهرستان‌های کشور گرفتند. یکی از این استان‌ها، استان بوشهر بود که پیرو عملیاتی کردن این طرح، در سال ۱۳۴۵ش. هیئتی متشکل از خانم هوراسا شکوه (معاون دبیرکل سازمان زنان ایران) به اتفاق خانم والی زاده، برای ایجاد شعب این سازمان در بوشهر، برازجان، بندر دیلم و گناوه و خورموج وارد بوشهر شدند (سند شماره ۱، ۴۸۸۰۲-۲۹۳).

در ابتدای کار تأسیس این سازمان در بندر بوشهر، هیئت مزبور با یکسری مشکلات و موانع مواجه شدند؛ که مهم‌ترین این مشکلات، مشکلات مالی و همچنین عدم وجود یک مکان مناسب برای شروع به کار این سازمان در مرکز استان بود. به همین دلیل برای تأسیس شعب سازمان زنان در بوشهر و شهرستان‌های آن، به دلیل نداشتن بودجه لازم از شهرداری‌های تابع استان درخواست شد که هرکدام حدود یک میلیون ریال از بهای زمین و

هزینه ساختمان را بپردازند؛ اما شهرداری‌های تابع، ضعف بودجه و ممکن نبودن پرداخت هزینه را مطرح کردند و از استانداری خواستند در مورد این پیشنهاد تجدیدنظر نموده و شهرداری را از پرداخت این هزینه معاف نماید (سند شماره ۲، ۴۸۸۰۲-۲۹۳)؛ بنابراین رئیس این سازمان از استانداری وقت درخواست بودجه نمودند که استانداری نیز مقداری بودجه در اختیار رئیس این سازمان برای راه‌اندازی و آغاز کار این سازمان، قرار داد.

به هر ترتیبی که بود سازمان زنان بوشهر در سال ۱۳۴۵ ش. تشکیل شد که به دنبال آن زنان بوشهری تا حدودی از انزوا و گوشه‌نشینی خارج و وارد اجتماع شدند. اهداف این سازمان عبارت بودند از:

۱. تربیت فکری و اخلاقی بانوان و تعلیم خانه‌داری و پرورش اطفال مطابق قواعد علمی به‌وسیلهٔ خطابه‌ها، نشریات، کلاس‌های اکابر و غیره.
۲. تشویق به ورزش‌های متناسب برای تربیت جسمانی با رعایت اصول صحیح
۳. ایجاد مؤسسات خیریه برای امداد به مادران بی‌بضاعت و اطفال بی‌سرپرست.
۴. ترغیب به سادگی در زندگی و استعمال امتعهٔ وطنی (بامداد، ۱۳۴۷: ۸۹).

در نتیجهٔ فعالیت‌های این سازمان، زنان بوشهری به‌مرور توانستند وارد عرصه اقتصادی جامعه شده، به کار و اشتغال‌زایی در جامعه بپردازند. ضمن این‌که آموزش سواد بین زنان بوشهری را در دستور کار خود قرار دادند. اکثر مدیران این سازمان در استان از قشر فرهنگی این استان بودند که این امر به بالا رفتن سطح سواد و فعالیت‌های فرهنگی زنان در این استان توسط این سازمان کمک شایانی نمود. در جریان اعطای حق رأی به زنان، همچنین رواج ایدئولوژی تمدن بزرگ، کارکرد و ساختار سازمان‌های زنان از جمله سازمان زنان بوشهر پس از تأسیس نیز دستخوش دگرگونی‌های ژرفی شد (کار، ۱۳۶۷: ۲۷).

کمیتهٔ آموزش سازمان زنان در بوشهر و شهرستان‌های آن، از لحاظ فعالیت‌های فرهنگی و همچنین تقویت حوزهٔ فرهنگی، آموزشی و تعلیم و تربیت رشد چشمگیری داشت. این سازمان از طریق ایجاد مکان‌های آموزشی و تربیت معلمان زبده و توانمند به توسعه و پیشرفت فرهنگی زنان این استان کمک شایانی نمود. پیرو همین امر، به دعوت دایره

کوشش‌های فرهنگی بانوان این سازمان، تمام خانم‌های دبیران و آموزگاران و دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه بوشهر را در تالار محمدرضا شاه اجتماع نموده و مراتب سپاس و تشکر و قدردانی از این برنامه فرهنگی و پیشرفت قابل توجه آن توسط کمیته فرهنگی این سازمان را ابراز نمودند (سند شماره ۳، ۴۹۸۴۱-۲۹۳).

علاوه بر حوزه فرهنگی و پیشرفت قابل توجه آن، سازمان زنان در بوشهر، در زمینه فعالیت‌های ورزشی و همچنین تشویق زنان با استعداد در این زمینه، به ارائه طرح‌ها و برنامه‌های سازنده ورزشی پرداخت. هزینه ساختمان شورای ورزشی بانوان استان بوشهر را از استانداری درخواست نمودند، استانداری نیز پیرو نامه وزیر کشور مبنی بر مساعدت و کمک تمام و کمال به سازمان زنان این استان، با این درخواست موافقت نمودند (سند شماره ۴، ۴۹۸۴۱-۲۹۳).

در مجموع، سازمان زنان در بوشهر، فعالیت‌های بسیار چشمگیری در حوزه فرهنگی، ورزشی و اجتماعی داشتند؛ اما در زمینه فرهنگی و به خصوص در امر مبارزه با بی‌سوادی زنان و دختران بوشهری پیشرفت‌ها و موفقیت‌های قابل توجهی به دست آوردند و کلاس‌های متعددی در شهر بوشهر و روستاهای مختلف حومه آن و به ویژه شهرستان‌های آن، راه‌اندازی کردند و تعداد نوآموزان این کلاس‌های مذکور روبه‌روز افزایش یافت. به طوری که با کمبود فضا و مکان مناسب برای تدریس این نوآموزان مواجه شدند و به همین دلیل رئیس این سازمان، از استانداری وقت آقای تیمسار دریابان عظیم‌تقاضای کمک و همراهی برای ایجاد ساختمان بزرگی برای آموزش و برگزاری این کلاس‌ها نمودند که استانداری نیز با توجه به تأکید بسیار وزیر کشور مبنی بر حمایت از این سازمان، با این درخواست موافقت نموده و زمین و بودجه کافی در اختیار آن‌ها قرار داد.

سازمان زنان بوشهر، در زمینه مشاوره اجتماعی نیز فعال بودند و بانو بدر مریم مؤمن به‌عنوان مشاور و دبیر شورای عالی زنان بوشهر انتخاب شدند. وظیفه این کمیته ارائه مشاوره و راهنمایی زنان در زمینه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود (سند شماره ۵، ۴۹۸۴۱-۲۹۳). همین امر خود کمک بسیاری برای آگاه شدن و بیداری فکری زنان بوشهری نمود که همین آگاهی خود به‌تنهایی به پیشرفت و استفاده از استعدادهای زنان

بوشهری در جامعه کمک بسیاری کرد. این زنان با پرورش طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی و اقتصادی خود، به ایجاد نهادهای خیریه و آموزشی و کارگاه‌های تولید صنایع دستی پرداختند و راه را برای زنانی که مایل به خودکفایی و شاغل شدن بودند را هموار کرد و زنان بسیاری از طریق اجرایی شدن این طرح‌ها و برنامه‌ها خودکفا و شاغل شدند.

بازتاب این تغییرات، ورود زنان از جمله زنان بوشهری در عرصه سیاست بود که طی جریان انتخابات، رأی آن‌ها اثرگذاری زیادی داشت. با ایجاد شعب سازمان در شهرهای استان تا حدودی مشکلات و کمبودهای ناشی از فقر و بی‌سرپرستی زنان تسکین یافت که با ایجاد نهادها و سازمان‌های خیریه برطرف گردید و نسبت به سامان دادن کودکان بی‌بضاعت و بی‌سرپرست اقدام لازم به عمل آمد (ملک‌زاده، ۱۳۶۴: ۶۱-۶۴).

«کارنامه سازمان زنان ایران» اشاراتی به جنبه‌های مثبت و منفی سازمان داشته است که از جمله موارد مثبت ذکر شده آمده: «مثبت‌ترین جنبه این سازمان رسیدگی به امور فرهنگی و برطرف کردن معضل بی‌سوادی زنان و همچنین مسائل و مشکلات قانونی در رابطه با حقوق زنان بوده است که البته ارائه این‌گونه مشاوره‌ها به زنان طبقات پایین شهری به دلیل عدم دسترسی آنان به مراکز شهری و سازمان‌ها، کم‌رنگ و در پاره‌ای از موارد اصلاً صورت نمی‌گرفته است. این سازمان با طرح مسائل آموزشی، حقوقی و قانونی زنان در سمینارها و کلاس‌ها و یا چاپ کتاب‌هایی به زبان ساده در این خصوص، برای روشنگری زنان نسبت به حقوقشان نیز اقدام می‌کرد» (کارنامه سازمان زنان ایران، ۱۳۵۶: ۷۶) و جوه منفی سازمان زنان هم «حملات عناصر محافظه‌کار سنت‌گرا و اصلاح‌طلب» ذکر شده که اعتقاد داشتند این سازمان هیچ کمکی به حقوق زنان نمی‌کند و طیف مرفه و زنان شاغل و باسواد تحت پوشش این سازمان بیشتر از مزایای این سازمان بهره‌مند می‌شوند و سازمان نمی‌تواند کمکی به زنان طبقات پایین و محروم کند (کارنامه سازمان زنان ایران، همان، ۷۸).

با ایجاد شعب سازمان زنان در بوشهر، برازجان، گناوه و دیلم و پیشرفت‌های نسبی زنان در این مناطق، بخشداری خورموج طی یک نامه از معاون استانداری و فرمانداری شهرستان بوشهر، خواستار ایجاد شعب سازمان زنان در این شهرستان گردید (سند شماره ۶-۴۸۸۰۲-

۲۹۳). پیرو این نامه، استاندار با اعزام یک هیئت از سازمان زنان بوشهر با همراهی خانم نظر برادر، به خورموج، در دبیرستان ادب خورموج جلسه‌ای تشکیل داد. پیامد این جلسه، علاوه بر ارائه سخنرانی‌های لازم پیرامون سازمان زنان و قرائت اساسنامه، انتخاباتی بود که بر اساس آن افراد زبده و توانمند از قشر فرهنگی این شهرستان جهت اجرای برنامه‌های سازمان زنان انتخاب گردیدند (سند شماره ۷، ۴۸۸۰۲-۲۹۳)؛ و کار شعب سازمان زنان در شهرستان‌های استان بوشهر، علی‌رغم مشکلات و کم‌وکاستی‌های بسیار آغاز شد. فعالیت این شعبات به پیشرفت و شکوفایی زنان در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و همچنین اقتصادی کمک شایانی نمود. ایجاد و تأسیس چندین مدرسه و آموزشگاه‌های ویژه بانوان و همچنین احداث کارگاه‌های کوچک و بزرگ بسیاری در این مناطق و شروع به کار نمودن آن که منجر به اشتغال‌زایی زنان بوشهری در کارگاه‌ها و تولیدی‌های مذکور شد.

این شعب با همه اثرات مثبتی که داشتند، با توجه به بروز مشکلات مالی، پیشبرد کارهایشان دچار خدشه شد. مهم‌ترین مشکل، نبود مکان و جای مناسب برای ساختمان سازمان بود. کمبود بودجه نیز موجب ناتوانی شعب در پرداخت اجاره‌بهای ساختمان‌های سازمان می‌شد که در نتیجه به سازمان مرکزی در تهران ارجاع شد (سند شماره ۸، ۴۸۸۰۲-۲۹۳). اعلام وضعیت فوق و پیرو نامه‌ای که به همین منظور به سازمان مرکزی زنان در تهران ارسال شد، سازمان از استانداری درخواست نمود اجاره‌بهای عقب‌افتاده را در استان بوشهر پرداخت نماید. در ابتدا استانداری این امر را ضروری اعلام و پرداخت مبلغ اجاره‌بها را پذیرفت (سند شماره ۹، ۴۸۸۰۲-۲۹۳)؛ اما با گذشت زمان استانداری از انجام این کار سرباز زد و معتقد بود استانداری از بودجه لازم برخوردار نیست و نمی‌تواند اجاره‌بهای شعبات سازمان زنان را در شهرستان‌های استان بوشهر را پرداخت کند (سند شماره ۱۰، ۴۸۸۰۲-۲۹۳).

بدین ترتیب با کنار رفتن استانداری از پرداخت اجاره‌بهای ساختمان سازمان زنان در بوشهر، تعدادی از کلاس‌های این سازمان که مورد استقبال شایان زنان بوشهری قرار گرفته بود، تعطیل شد (سند شماره ۱۱، ۴۸۸۰۲-۲۹۳). این اوضاع به بحرانی شدن سازمان در بوشهر انجامید که هما روحی، دبیرکل سازمان زنان ایران، طی نامه‌ای به استانداری بوشهر

حاکمی از بحرانی بودن و تعطیلی این شعبه در استان خبر داد (سند شماره ۱۲، ۴۸۸۰۲-۲۹۳). استانداری نیز برای جلوگیری از تعطیلی سازمان، مبلغی از بودجه خود را برای سر پا نگه داشتن سازمان زنان بوشهر تخصیص داد که کمک بسیار مهمی برای سازمان زنان بوشهر شمرده می‌شد.

با برطرف شدن موقتی مشکلات مالی و مکانی شعبه سازمان زنان بوشهر، این سازمان دوباره کار خود را آغاز نمود و با ایجاد چندین تولیدی پوشاک در استان و فرصت اشتغال‌زایی برای زنان (آفاری، ۱۳۷۷: ۷۹) تلاش کرد به حضور زنان در اجتماع و فعالیت آنان در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی کمک کند. ضمن این‌که در این مدت، زنان تا حدودی مشکل بی‌سوادی مفرط را سامان دادند و به ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی زنان بوشهر مبادرت ورزیدند. نتیجه این اقدامات با وجود نکات منفی فعالیت‌های سازمان زنان، این بود که سازمان زنان در شهرهای مختلف و از جمله بوشهر تا حدودی موفق شد در مراکز محروم شهری و در بین زنان طبقات پایین به ایجاد مراکز رفاهی، فرهنگی و هنری بپردازد و زنان این طبقه را از انزوای شدید خانگی بیرون آورده و آنان را به بهانه‌های آموزش و تحصیل و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، با اجتماع و نهادهای گوناگون آن آشنا سازد. با بروز حرکت‌های انقلابی در سال ۱۳۵۷، کم‌کم فعالیت‌های سازمان زنان و شعب آن رو به افول نهاد تا این‌که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی این سازمان کاملاً کنار گذاشته شده بود و فاقد هرگونه فعالیتی بود.

درنهایت می‌توان گفت، سازمان زنان ایران و راه‌اندازی و فعالیت شعبه آن در استان بوشهر، علیرغم داشتن ضعف‌ها و کم‌وکاستی‌های به‌خصوص خود، تلنگر بزرگی برای روشن شدن و آگاهی فکری زنان بوشهری بود. زنانی که حتی تا اوایل دوره محمدرضا شاه پهلوی در یک محیط و فضای بسته سنتی قرار داشتند و قدرت هیچ‌گونه فعالیت و حتی آشکار نمودن استعداد خود و همچنین استفاده مفید از این استعداد برای پیشبرد اهداف و مقاصد زندگی خود که همان داشتن استقلال عمل و خودکفایی بود را نداشتند. در این فضای بسیار بسته سنتی جنوب، از زمان کودکی فقط این جمله را ملکه ذهن آن کرده بودند که وظیفه یک دختر و زن فقط ازدواج، همسرداری، خانه‌داری و به‌خصوص به دنیا آوردن بچه‌های

بسیار و بچه‌داری بود؛ اما با آمدن این سازمان در این استان و فعالیت چشمگیر آن در مرکز استان و شهرستان‌های آن، زنان بوشهری تازه پی به جایگاه مفید و مهم خود در سطح اجتماع بردند. این سازمان با وجود نواقصی که داشت، اما کمک بسیاری برای آگاه کردن زنان بوشهری با جامعه بیرون از خانه و از همه مهم‌تر آموزش خواندن و نوشتن و همچنین اشتغال‌زایی در جامعه خود نمود.

پس از این فعالیت‌های سازمان بود که زنان بوشهری به فعالیت‌های چشمگیر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و حتی سیاسی پرداختند. حتی در مسائل حساس و مهم سیاسی و اجتماعی دخیل شدند. برای نمونه حضور زنان و فعالیت‌های بسیار آن‌ها با احزاب سیاسی و فرهنگی آن دوره، مانند حزب توده و حتی حضور چشمگیر زنان بوشهر در فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی و کمک کردن به پیشبرد اهداف انقلابی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود.

### نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته، چه میدانی و شفاهی و چه کتابخانه‌ای، در فرایند پژوهش حاضر نتیجه ذیل حاصل شد که سازمان زنان در استان بوشهر علی‌رغم موانع و مشکلات فراوانی که در پیش روی عملیاتی کردن کار و فعالیت خود داشت، موفق شد علاوه بر شهر بوشهر، در سایر شهرها و روستاهای این استان تأثیرات مثبتی بر جمعیت زنان و بانوان آن بگذارد. فعالیت این سازمان از یک طرف زنان مستعد و بااستعداد بوشهری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی را معرفی کرد و از طرف دیگر جامعه مردسالار بوشهر را ضعیف و زنان زیادی را از پستوهای خانه‌ها خارج و وارد جامعه نمود که همین امر خود به‌تنهایی تأثیرات زیادی را بر جامعه بانوان این استان گذاشت و علاوه بر فعالیت چشمگیر بانوان بوشهری در عرصه اجتماعی و فرهنگی، به رشد فرهنگ و افکار این مردم کمک نمود.

اساسی‌ترین و مهم‌ترین دستاورد و فایده تأسیس سازمان زنان در استان بوشهر این بود که با توجه به فرهنگ بسیار بسته و به‌شدت سنتی منطقه و به‌خصوص شهرستان‌های آن، با شروع فعالیت شعبات متعدد سازمان زنان در استان بوشهر، بسیاری از بانوان از بی‌سوادی

مطلق و ناآگاهی خارج شده و با تحصیل و آموزش‌هایی که توسط اعضای این سازمان صورت گرفت توانستند که خواندن و نوشتن آموخته و بدین ترتیب با شناخت و آگاهی کافی با توجه به استعداد و توانایی خود، وارد عرصه‌های فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی شده و به کار و اشتغال‌زایی پرداختند که این امر منجر شد زنان بسیاری از پستوهای خانه‌هایشان خارج و به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بپردازند و در واقع پلی برای پیشرفت و موفقیت بانوان بعد از خود شوند.

البته ناگفته نماند که در روند فعالیت این سازمان، مشکلات و مخالفان بسیاری بودند که در بیشتر اوقات باعث کند شدن فعالیت این سازمان در این استان می‌شدند؛ ولی در مجموع ایجاد این سازمان در استان بوشهر، در کنار یک‌سری نواقص و کمبودهایی که به همراه داشت، به مطرح شدن و شناخته شدن زنان قوی و بااستعداد بوشهری کمک شایان‌توجهی کرد؛ و در نهایت این‌که شعبات این سازمان در بوشهر و شهرستان‌های آن در ابتدای تأسیس از پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بودند اما به دلیل یک‌سری موانع و مشکلات و همچنین عدم استقلال و نداشتن اختیار کامل این سازمان، چندان دوامی نیاوردند و با شروع انقلاب در سال ۵۷، این سازمان به‌طور کامل منحل و کنار گذاشته شد.



## منابع

### الف: اسناد منتشر نشده

— آرشیو ملی ایران، ۲/۴۸۸۰۳/۲۹۳

— آرشیو ملی ایران، ۴۱/۴۹۸۴۱/۲۹۳

### ب: منابع و تحقیقات جدید

— آفاری، ژانت (۱۳۷۷)، *انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: نشر بانو.

— آتشی، منوچهر (۱۳۷۴)، «ابدیت اندوه»، *هفته‌نامه آئینه جنوب*، بوشهر: سال دوم، شماره ۴۹.

— *اساسنامه سازمان زنان ایران*، مصوب سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ش، انتشارات سازمان زنان ایران.

— افخمی، مهناز (بی‌تا)، *پیشنهاد‌های اصلاحی دربارهٔ تشکیلات و برنامه‌های سازمان زنان ایران*، تهران: انتشارات سازمان زنان ایران.

— بامداد، بدرالملوک (۱۳۷۴)، *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران: ابن سینا.

— برادلی، برد (۱۳۷۸)، *گذری بر شهر دریاها*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: بی‌نا.

— تاج‌السلطنه (۱۳۷۱)، *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران.

— دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، تهران: انتشارات فردوسی.

— رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳)، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، تهران: نشر کتابدار.

— رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۵)، *گزیده اقتصاد ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

— رنجبر عمرانی، حمیرا (۱۳۸۵)، *سازمان زنان ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ.

- ساناساریان، الیزا (۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران*، ترجمه نوشین احمدی، تهران: اختران.
- فوران، جان (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر رسا.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۶)، *حقوق سیاسی زنان ایران*، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- *کارنامه سازمان زنان ایران در سال ۱۳۵۶*، انتشارات سازمان زنان ایران.
- کدی، نیکی (۱۳۶۹)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر قلم.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، *نسر ح زندگانی من*، تهران: زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۴)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، جلد دوم، تهران: انتشارات سینا.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران*، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: انتشارات امیرکبیر.

### نشریات

- روزنامه *اطلاعات بانوان*، از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۵ ش.
- روزنامه *تمدن*، سال اول، ش ۱۲، ۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ هجری.
- روزنامه *مظفری*، سال‌های اول تا پنجم، ۱۳۲۳-۱۳۱۹ هجری.
- *مجله اطلاعات بانوان*، سال اول، ۱۳۲۶ تا ۱۳۴۳ ش.

### منابع لاتین

- Afkhami, M. (1984), *Iran: A Future in thepast- The Pre-Revolutionary, Womens Movements*. in Robin Morgan (ed.), *Sisterhood is Global*, Garden City: Anchor Book.
- Paidar, P. (1994), *Women and the Political Process in the Twentieth Century Iran*, Cambridge University Press.

پیوست‌ها

سند شماره ۱: تشکیل سازمان زنان در شهرستان‌های بوشهر



سند شماره ۲: کمک استانداری برای راه‌اندازی مجموعه ورزشی بانوان بوشهر



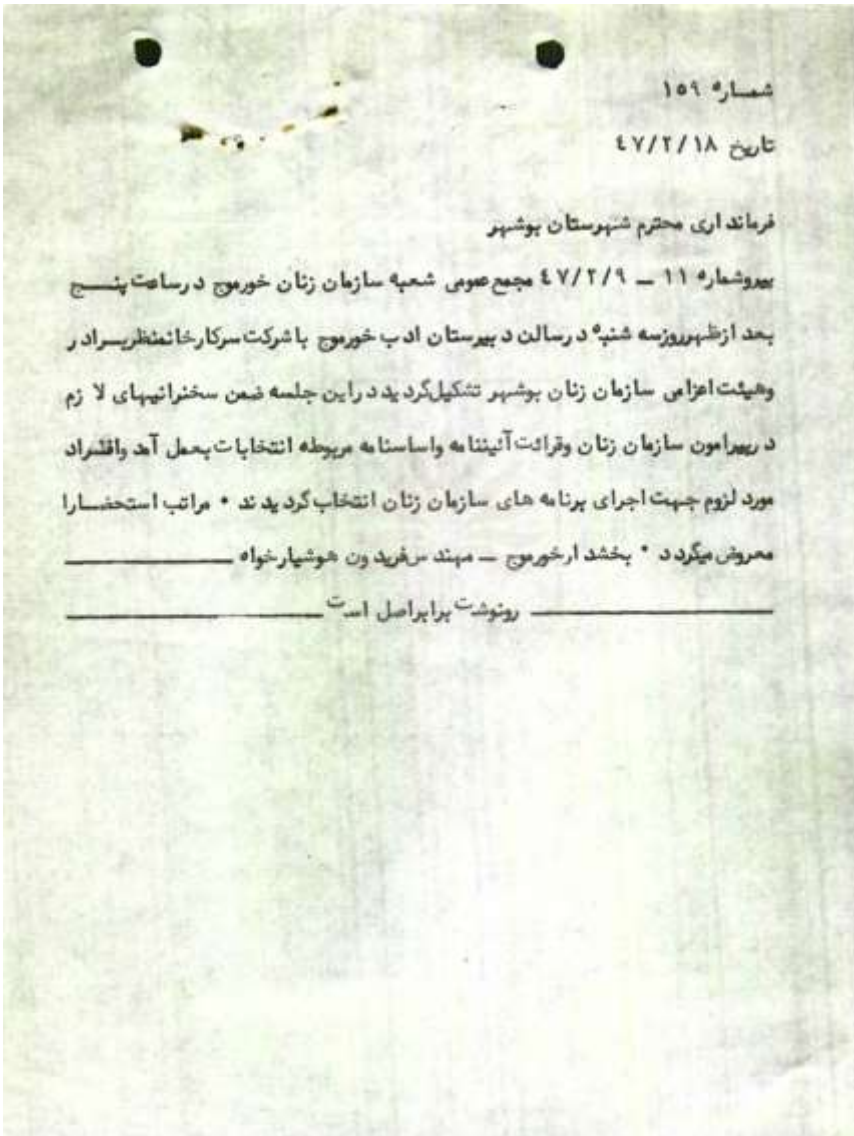
سند شماره ۳: انتخاب مسئول کمیته ارائه مشاوره اجتماعی



سند شماره ۴: پرداخت هزینه برای ایجاد ساختمان سازمان



سند شماره ۵: تشکیل سازمان در شهرستان دشتی (خورموج)

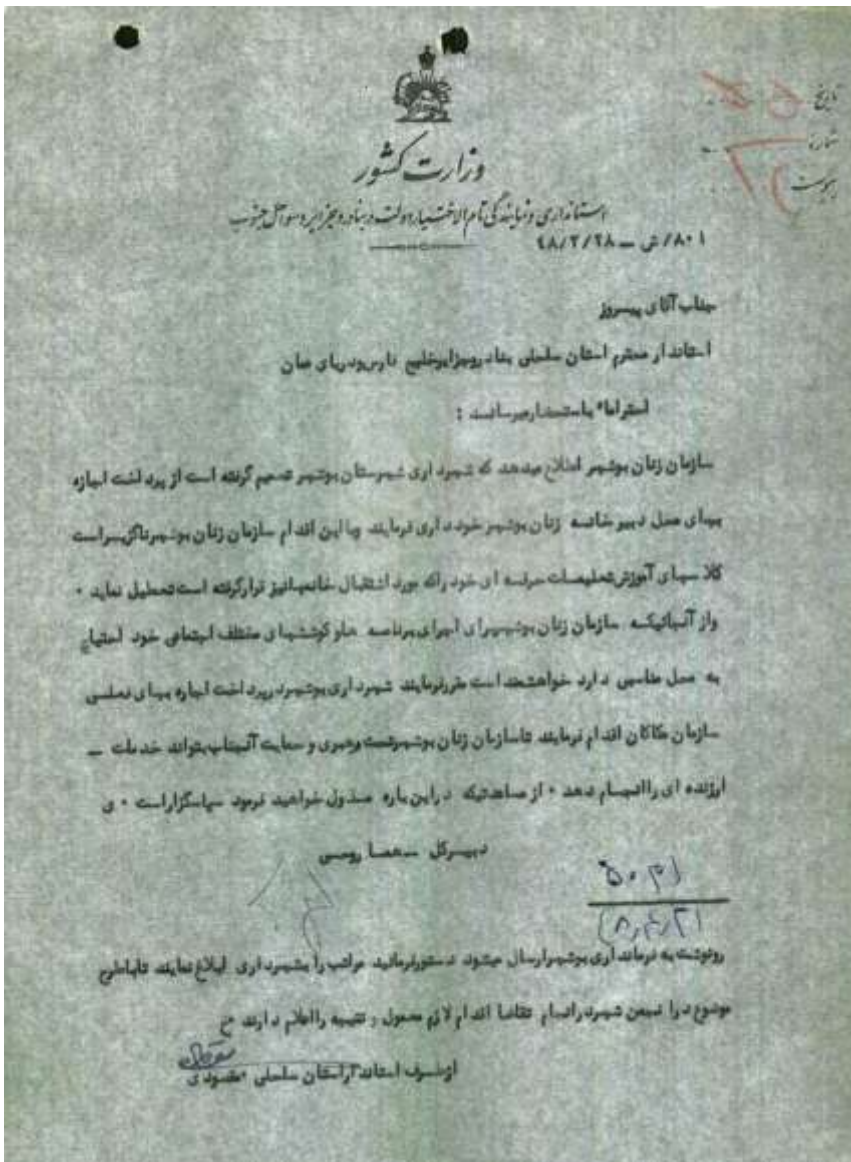


سند شماره ۶: کمبود بودجه برای اجاره‌بهای ساختمان سازمان





سند شماره ۷: سر باز زدن استانداری از پرداخت اجاره‌بهای ساختمان سازمان



سند شماره ۸: تعطیلی سازمان به دلیل کمبود بودجه

